

مردان خط اول
جنگ روایت‌ها

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و پنجم | شماره ۱۲۴۸ | دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵ | ۲۶ صفر ۱۴۴۸ | ۱۰ آگوست ۲۰۲۶ | ۸ صفحه | نسخه الکترونیکی



رضا صارمی‌راد

معنای یک پربوزی!



نوید کمالی

آنچه اطلاعات به مانمی گوید!



آرش فهیم

شکوه نبوی در سینما

تجلی نعمت ولایت
در احکام فرماندهان

دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول

بدون تردید، هدایت انسان از سوی خداوند متعال برای رسیدن به کمال و رستگاری، بالاترین و بزرگ‌ترین نعمت است. قرآن کتاب هدایت و ولایت، شکل‌دهنده به جبل متین برای اتصال به حضرت حق است.

امروز ملت ما از نعمت ولایت برخوردار است. برای ملت و کشور عزیزمان ایران، نعمتی بالاتر از این نعمت متصور نیست.

تجربه ۴۷ سال گذشته، آشکار کننده این حقیقت است که ایران با نظام ولایتی در مسیر پیش رو، بر تمامی مشکلات غلبه کرده و با عبور از هر مانعی، در نهایت این ملت، افتخار ساخت تمدن نوین

اسلامی و فراهم کردن زمینه‌های ظهور را از آن خود خواهد کرد.

دلیل این گونه با اطمینان سخن گفتن دو چیز است؛ یکی ولایت‌مداری مردم بر اساس اعتقادات مستحکم دینی و باورهای عمیق مذهبی، و دیگری وعده‌ای که خداوند متعال، آن قدرت مطلق در جهان، به مؤمنان برای نصرت و یاری کردن داده است.

در اندیشه ناب توحیدی ولایت محور، تحقق حاکمیت الهی در جامعه بشری، تنها یک راه دارد و آن، پذیرش ولایت‌النبی و ولایت‌الامام معصوم در عصر حضور، و ولایت فقیه در عصر غیبت است و هر حکومت دیگری بر جامعه غیر از این مسیر حکومت طاغوت است.

این یک امتیاز بی بدیل برای ملت ایران به شمار می‌آید که در عصر غیبت، در حدود نیم قرن اخیر با انقلاب اسلامی و استقرار نظام مردم

سالاری دینی ولایت محور، از این نعمت بزرگ برخوردار است.

دشمن مستکبر صهیونی - آمریکایی در جنگ تحمیلی سوم با به شهادت رساندن امام خامنه‌ای عزیز، به دنبال پایان دادن به دوران جمهوری اسلامی و نظام ولایتی در ایران بود.

اما برخلاف خواست دشمن، اراده خداوند بر این بود که سایه ولایت بر سر ملت امام حسینی و ولایت‌مدار ایران استمرار داشته باشد؛ و چه زیبا با مهندسی خالق هستی، عصاره امامین انقلاب اسلامی طبق قاعده «صالح بعد صالح»، از سوی خبرگان به مردم معرفی شد.

مردم مبعوث شده و بصیر ایران، این رویداد مهم تاریخی برای تعیین رهبر سوم جمهوری اسلامی ایران در سخت‌ترین شرایط امنیتی کشور را، بر اساس قاعده لطف فهم و درک کرده، یکپارچه و هماهنگ در سراسر کشور شعار دادند: «دست خدا عیان شد - خامنه‌ای جوان شد.»

اکنون تجلی و بروز و ظهور نعمت ولایت و حرکت در امتداد امام شهید برای پیشبرد امور، در احکام صادره برای شش مقام عالی رتبه در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، به وضوح قابل فهم است.

این احکام فراتر از انتصاب از سوی فرمانده معظم کل قوا برای هریک از جایگاه‌های راهبردی، وقتی در کنار هم قرار می‌گیرد؛ ترسیم‌کننده یک نقشه راهی برای تحول ساختاری و اتخاذ رویکردهای تحولی در حوزه دفاع، با هدف راهبردی ساخت ایران قوی است.

ایران قوی از ارزشمندترین میراث‌های امام شهید است. نتیجه و آثار ساخت ایران قوی از سوی امام شهید، در جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم مشاهده شد.

ایمن دو جنگ ایران را در کنار قدرت‌های برتر جهان جانمایی کرد؛ و اکنون باید برای تثبیت این جایگاه، حرکت در مسیر ساخت ایران قوی با قوت و شتاب بیشتری دنبال شود.

در متن احکام صادره برای فرماندهان نظامی، به ویژه برای سرلشکر عبداللّهی به عنوان ریاست ستاد کل نیروهای مسلح و سرلشکر وحیدی به عنوان فرمانده کل سپاه و همچنین حجت‌الاسلام والمسلمین طائب در مقام ریاست سازمان بسیج مستضعفین، مأموریت‌هایی تعریف شده که به طور قطع به اقتضای شرایط، اولویت‌های اجتناب‌ناپذیر برای تحقق و پیاده‌سازی راهبرد ایران قوی است.

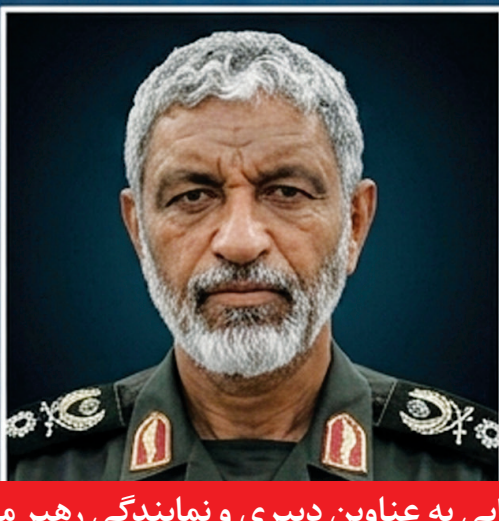
خداوند را برای این نعمت بزرگ و بی بدیل شاکر باشیم و سیاست‌گذار، و بدانیم اطاعت از امر رهبری اطاعت از امر خداوند متعال است که خود فرمود: «من یطع الرسول فقد اطاع الله»

از منظر اختیارات حکومتی طبق نظریه ولایت فقیه و آراء اندیشه‌های امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه)، اکنون تفاوتی میان ولایت حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، با ولایت پیامبر و ائمه معصوم (علیهم السلام) در امور حکومتی وجود ندارد.

بر این اساس و طبق آیه مورد اشاره، بدون تردید هر کس اطاعت و فرمانبری از رهبر معظم انقلاب اسلامی داشته باشد، همانا خداوند متعال را اطاعت کرده است.

اکنون ملت ایران و فرزندان این ملت در نیروهای مسلح با فرمانبری از ولایت که همانا فرمانبری از خداوند است؛ در حال ساخت آینده‌ای روشن نه تنها برای خود، بلکه برای امت اسلام و تمامی ملل مستضعف و آزادی‌خواهان جهان است.

در پدیده‌ای چنین آینده‌ای تردیدی نیست، چرا که خداپاوران بر این اعتقاد هستند: «وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم».



پیام فرمانده کل سپاه در پی انتصاب دکتر محسن رضایی به عناوین دبیری و نمایندگی رهبر معظم انقلاب در شام

نمادی از حکمرانی امیدبخش



«عبدالسید» پزشک ۴۱ ساله اهل میشیگان، در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات برای کرسی سنای آمریکا از این ایالت به پیروزیی دست یافت که بسیاری از تحلیلگران سیاسی آمریکا آن را غیرمنتظره و حتی کم‌سابقه توصیف کرده‌اند. نام کامل او «عبدالرحمن محمد السید» است و در شهر روچستر هیلز میشیگان به دنیا آمد؛ پدرش مهاجری مصری و مادر ناتنی‌اش هر دو مهندس بودند. او تحصیلات خود را در دانشگاه میشیگان در رشته‌های زیست‌شناسی و علوم سیاسی آغاز کرد و به‌عنوان سخنران دانش‌آموختگان سال ۲۰۰۷ این دانشگاه انتخاب شد. سپس بورسیه رودز را برای ادامه تحصیل در دانشگاه آکسفورد دریافت کرد و دکترای بهداشت عمومی گرفت. او در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ مدیر اداره بهداشت شهر دیترویت و سپس مدیر اداره بهداشت شهرستان وین بود. عبدالسید در سال ۲۰۱۸ برای فرمانداری میشیگان نامزد شد هر چند در انتخابات مقدماتی دموکرات‌ها با اختلافی نسبتاً کم به گر چن ویتمر باخت؛ کسی که اکنون فرماندار فعلی همین ایالت است. او همچنین میزبان یک پادکستی با محتوای

معنای یک پیروزی!

سیاسی و پزشکی به نام «آمریکای کالبدشکافی شده» است و پیش از ورود جدی به سیاست، سال‌ها در دانشگاه کلمبیا تدریس کرده بود. نامزدی او برای سنا از همان ابتدا با مخالفت شدید بخشی از بدنه حزب دموکرات همراه بود. رقیب اصلی او، «هیلی استینوز» نماینده چهاردوره‌ای کنگره، از حمایت چهره‌های ارشد حزب از جمله گرچن ویتمر، چاک شومر رهبر اقلیت دموکرات کنگره و چند سناتور دیگر برخوردار بود. در کنار این حمایت‌های سیاسی، لابی صهیونیستی آمریکا (ایپاک) و گروه‌های هوادار رژیم صهیونیستی نیز حدود ۷۰ میلیون دلار برای شکست او هزینه کردند. او در طول کارزار انتخاباتی موضوعی صریح در قبال جنگ رژیم صهیونیستی در غزه گرفت و همین موضع، همراه با حضور جنجالی یک فعال رسانه‌ای ضد صهیونیستی در کنار او، به یکی از نقاط بحث‌برانگیز کارزارش تبدیل شد. با این اوضاع، وی کوشید کانون توجه کمپین را بر مسائل داخلی نگه دارد و شعار کارزار خود را در سه جمله خلاصه کند: «پول را از سیاست بیرون کنید، پول را به جیب مردم بازگردانید، بیمه درمانی همگانی برای همه». او همچنین مدعی بود برخلاف رقیبش، حتی یک دلار هم از شرکت‌ها و منابع مالی بزرگ دریافت نکرده است.

سرانجام، نتیجه آرا پس از ساعت‌های طولانی شمارش آرا اعلام شد و نشان داد عبدالسید

با اختلافی کمتر از یک درصد از استینوز پیشی گرفته است. این پیروزی در حالی به دست آمد که کارزار او تقریباً با نسبت یک به نه در هزینه‌های تبلیغاتی به لطف پول‌های صهیونیست‌ها از رقیبش عقب بود؛ نکته‌ای که سناتور کهنه‌کار، «برنی سندرز» آن را خارق‌العاده‌ترین پیروزی سیاست مدرن آمریکا خواند. تحلیلگران معتقدند رمز موفقیت او در پیام ساده و همه‌فهم کارزارش، بسیج رأی‌دهندگان جوان و توجه به جوامع عرب‌تبار و مسلمان میشیگان، و نارضایتی گسترده از تشکیلات سنتی حزب دموکرات بود. پیروزی او در کنار موفقیت چند نامزد دیگر از جناح پراگسیو حزب دموکرات در همان روز، از جمله شکست نماینده هوادار رژیم صهیونیستی، «شری سانیدار» برابر یک چهره سوسیالیست بخشی از یک روند گسترده‌تر در سراسر آمریکا، از کالیفرنیا و کلرادو تا پنسیلوانیا و نیویورک، به شمار می‌رود.

با این پیروزی، عبدالسید در انتخابات سراسری ماه نوامبر با مایک راجرز، نامزد جمهوری‌خواه مورد حمایت دونالد ترامپ، رقابت خواهد کرد؛ رقابتی که لابی رژیم از همین حالا اعلام کرده برای شکست او دوباره هزینه خواهد کرد. عبدالسید برای دوره پیش رو بر همان محورهای اصلی کارزارش تأکید دارد، از جمله تصویب قانون بیمه درمانی همگانی، لغو رأی دیوان عالی که هزینه‌های نامحدود

انتخاباتی شرکت‌ها را مجاز می‌داند، ممنوعیت هزینه‌کرد گروه‌های ذی‌نفع در انتخابات، پایان دادن به انتصاب مادم‌العمر قضات دیوان عالی، و بازسازی ساختار نهاد مهاجرتی آیس. او همچنین خواستار افزایش مالیات بر درآمدهای بالای یک میلیون دلار و ثروت‌های بیش از یک میلیارد دلار، مالکیت عمومی بر شرکت‌های هوش مصنوعی، و وضع مقررات سخت‌گیرانه‌تر بر شرکت‌های بزرگ فناوری و اجاره کوتاه‌مدت مسکن است.

پیروزی عبدالسید را می‌توان نشانه‌ای از تحولی عمیق‌تر در سیاست آمریکا دانست، در صورت پیروزی وی در دور بعد، السید به اولین سناتور مسلمان تاریخ آمریکا تبدیل می‌شود و این مسئله ضربه‌ای نمادین به قدرت مالی و سیاسی ایپاک و بخش هوادار رژیم صهیونیستی در حزب دموکرات وارد خواهد کرد و نشان می‌دهد



هزینه‌های کلان تبلیغاتی و حمایت چهره‌های ارشد حزبی، به‌تنهایی دیگر تضمین‌کننده پیروزی در انتخابات نیستند. واکنش تند دونالد ترامپ، که عبدالسید را کمونیستی متفتر از یهودیان و اسرائیل خواند نیز نشان داد این پیروزی در سطح ملی نیز بازتاب یافته است. از سوی دیگر، پیروزی او در میشیگان ایالتی نوسانی که کمتر از دو سال پیش به ترامپ رأی داده بود اهمیت بی‌فراستر از پیروزی‌های مشابه در حوزه‌های امن دموکرات‌ها دارد. در این وضعیت، می‌توان گفت پیروزی السید و پیروزی‌های مشابهی مانند ممدانی در نیویورک الگویی تازه پیش روی جناح پراگسیو حزب دموکرات در سطح ملی می‌گذارد که در آینده‌ای نزدیک می‌تواند به اتخاذ سیاست‌هایی مستقل‌تر از لابی صهیونیستی و نزدیک‌تر به واقعیت جامعه آمریکا منجر شود.

چرا سپاه؟

به زیرساخت‌های راهبردی حمله کرد، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) برای بازفرآوری و بازسازی آن وارد میدان شد (مانند بازسازی بخش‌های آسیب‌دیده پالایشگاه ستاره خلیج فارس). سپاه همچنین تأمین نیازهای علمی و فناوری پیشرفته برای صنایع حیاتی کشور را در دستور کار خود قرار داده است.

◆ معماری نوین بازدارندگی

اگر در سال‌های نخست انقلاب، رسالت سپاه حفظ تمامیت ارضی در مرزهای داخلی بود، امروز این نهاد بر اساس ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد (دفاع مشروع)، امنیت ایران را به خط قرمز ی تبدیل کرده که هرگونه تعرض به آن، پاسخی ویرانگر در خود مرزهای دشمن و هم‌پیمانان او در پی دارد. تجلی این اقتدار را می‌توان در سلسله عملیات‌های اخیر و تقابل مستقیم با محور استکبار مشاهده کرد؛ جایی که سپاه، مفهوم «وحدت میدان‌ها» را با موشک و پهپاد تثبیت کرد. نگاهی به داده‌های عملیاتی جنگ‌های اخیر، ابعاد حیرت‌انگیز این قدرت‌نمایی را روشن می‌کند

◆ تنگه هرمز؛ اهرم پیروزی ایران

قدرت سپاه تنها در شلیک موشک خلاصه نمی‌شود؛ تسلط بر گلوگاه‌های اقتصادی جهان، روی دیگر این سکه است. «تنگه هرمز» با عرض تنها حدود ۳۰ کیلومتر در باریک‌ترین بخش، شاهراه عبور روزانه حدود ۲۱ میلیون بشکه نفت (۳۰ درصد تجارت دریایی و ۲۵ درصد مصرف روزانه جهان) و بیش از ۱۰۰ میلیون تن گاز مایع (LNG) در سال است. در روز نخست عملیات «وعده صادق ۴»، سپاه با مسدودسازی این تنگه و ممنوعیت تردد نفت‌کش‌ها، شوک بی‌سابقه‌ای به اقتصاد غرب وارد کرد. حذف بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه نفت از بازار جهانی، قیمت نفت برنت را از ۷۰ دلار به ۱۲۰ دلار رساند (و

«مولود انقلاب» بود و قرار بود پاسدارِ انقلاب باشد، نه فقط پاسدار مرزها.

◆ اگر سپاه نبود چه می‌شد؟

جمله معروف و تاریخی حضرت امام خمینی(ره) که فرمودند: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود»، یک تعارف احساسی نیست، بلکه یک واقعیت محض ژئوپلیتیک و امنیتی است. بر اساس مستندات، اگر به تعبیر امام آن دلسوختگان راستین و جوانان بالیمان نبودند، انقلاب نوپایی حفاظ می‌ماند و سر‌نوشتی چون بسیاری از انقلاب‌های دیگر پیدامی‌کرد: سقوط در ماه‌های اول و تبدیل شدن به یک خاطره تلخ. در غیاب نهادی منسجم چون سپاه، خلأ قدرت به دست گروه‌های مسلح و تجزیه‌طلب پر می‌شد و غائله‌هایی نظیر تر کمن‌صحرا، کردستان، پاره و خر‌مشهر، کشور را به سمت ناامنی مطلق و تجزیه قطعی می‌برد. سپاه با پیوند زدن ایمان، خلاقیت و مشارکت مردمی با سازمان‌دهی نظامی، نه‌تنها جلوی این فروپاشی داخلی را گرفت، بلکه تجربه جنگ تحمیلی را به «دانشگاه» و «کارگاه بزرگ» انسان‌سازی تبدیل کرد؛ تجربه‌ای که پایه‌گذار پیشرفت‌های راهبردی امروز در حوزه‌های موشکی، پهپادی، دریایی و سایبری شد.

◆ گستره بی‌بدیل خدمات سپاه

امروز، آن نهاد نوپا که روزی سلاح انفرادی هم نداشت! به درختی تنآور تبدیل شده است که سایه اقتدار آن، فراتر از مرزها رفته است. نگاهی به عملکرد سپاه در بحران‌های اخیر، نشان می‌دهد چگونه یک سازمان عقیدتی – نظامی بارِ سنگین یک جنگ ترکیبی تمام‌عیار را به دوش می‌کشد. گستره این خدمات عبارتند از:

۱- عملیات و توان آفندی خیره‌کننده: اجرای «چندین موج موشکی» و «چندین موج پهپادی» دقیق علیه مواضع دشمن، ارتقای



«چرا سپاه؟» این پرسشی است که از نخستین سال‌های پس از انقلاب تاکنون بارها مطرح شده است؛ «مگر ایران ارتش نداشت؟ چرا یک نهاد نظامی دیگر؟ چه نیازی به سپاه بود؟ چرا سپاه این گونه در همه جای کشور هست؟».

برای یافتن پاسخ این پرسش، باید چشم‌ها را بست و به روزهای مهم سال ۱۳۵۷ بازگشت. کشوری را تصور کنید که نظم عمومی نظامی نداشت؛ رژیم پهلوی فروپاشیده، ساواک از بین رفته و ارتش با بحران جدی روحیه و فرماندهی مواجه است. سلاح‌هایی مانند مسلسل، ژ۳ و نارنجک دست‌به‌دست در میان گروه‌های گوناگون، از جمله جریان‌های چپ و مارکسیستی می‌چرخید. در گوشه‌گوشه کشور، مدعیان قدرت شکل گرفته بودند و انقلابی که مردم با دست خالی پیروزش کرده بودند، حالا در خطر بلعیده شدن به دست همان نیروهایی بود که هیچ سهمی در پیروزی‌اش نداشتند، ولی ادعای رهبری‌اش را می‌کردند.

در آن روزها، کمیته‌های انقلاب به صورت خودجوش در مساجد و محله‌ها شکل گرفتند، اما پراکندگی، نبود هماهنگی و احتمال نفوذ گروه‌های سیاسی، مانع از آن می‌شد که این کمیته‌های محلی بتوانند با تهدیدهای بزرگ و سازمان‌یافته مقابله کنند. کشور به نیرویی نیاز داشت که هم‌زمان متشکل، منظم، دارای فرماندهی واحد، روحیه انقلابی و متکی بر ایمان مکتبی باشد. سپاه فقط یک نیروی نظامی نبود که یک شبه و با یک بخشنامه ساخته شود؛ او

خامنه‌ای و شریعتی-۲

برشی از زندگینامه و خاطرات رهبر شهید انقلاب اسلامی- ۱۷

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ



رابطه آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای و دکتر علی شریعتی نزدیک‌تر از آن بود که در قالب روابط رسمی بگنجد؛ زیرا آنقدر عمیق بود که تعلقات این دو کاملاً مشهود باشد. مرحوم حیدر رحیم‌پورازغدی از افراد شناخته شده مشهد که سالیان متمادی به فعالیت در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی مشغول بوده و از دوستان نزدیک دکتر شریعتی و آیت‌الله خامنه‌ای است. وی در ترسیم روابط این دو رفیق چنین نقل می‌کند: «آقای خامنه‌ای و آقای شریعتی بیشتر با هم رفیق بودند تا اینکه بگویم با هم فقط ارتباط داشتند. آقای خامنه‌ای از شریعتی نقد می‌کردند، چون فقیه بودند و حق هم داشتند که نقد کنند چون اطلاعات فقهی و دینی شریعتی کافی نبود و لازم بود که آقای خامنه‌ای ایشان را نقد کند... ما ۲۰ سال با هم رفیق بودیم و دائم با هم حرف می‌زدیم، بحث می‌کردیم. شریعتی می‌گفت که اگر در ایران چند روحانی همانند آقای خامنه‌ای داشته باشیم، ایران اسلامی می‌شود.»

آقای خامنه‌ای جزء اولین افراد در مشهد است که از مرگ دکتر شریعتی در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ آگاه می‌شود و برای عرض تسلیت به منزل پدری دکتر می‌رود. در آن لحظات اولین احتمال، شهادت دکتر شریعتی است و ماجرای سکنه قلبی و نسبت آن با اعتیاد دکتر به سیگار گمانه است که بعدها مطرح می‌شود. مجلس ختم دکتر شریعتی در مسجد کرامت جزء اولین مراسم‌هایی است که برای بزرگداشت او گرفته می‌شود که بانی آن مراسم آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای است. در اغلب مراسم متعددی که برای دکتر در مشهد برگزار می‌شود، ایشان حضور دارد. از منظری حتی ایشان صاحب عزا به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که در آن تابستان مردم و بالاخص دانشجویان برای عرض تسلیت به دیدارش می‌روند و این از

قربت و نزدیکی اش به شریعتی حکایت دارد. این رابطه عمیق موجب شد تا پس از مرگ شریعتی نیز به بهانه‌های گوناگون از او یاد کند و شخصیت او و حوادثی را که در پیرامونش شکل گرفت، تحلیل کند. آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در گفت‌وگو با ماهنامه «سروش» که در خردادماه سال ۱۳۶۰ شکل گرفته بود، به ماجرای جالبی اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «من فراموش نمی‌کنم که در اوج مبارزات که می‌توان گفت که مراحل پایانی قال و قیل‌های مربوط به شریعتی محسوب می‌شد، امام در ضمن صحبتی بدون اینکه نام از کسی ببرند، اشاره‌ای کردند به وضع شریعتی و مخالفت‌هایی که در اطراف او هست. نوار این سخن همان وقت از نجف آمد و در فرونشاندن آتش اختلافات مؤثر بود. در آنجا امام بدون اینکه اسم شریعتی را بیاورند اینجور بیان کرده بودند: (چیزی نزدیک به این مضمون) بخاطر چهار تا اشتباه در کتاب‌هایش بگویم، این صحیح نیست این دقیقاً نشان می‌داد موضع درست را در مقابل هر شخصیتی و نه تنها شخصیت دکتر شریعتی. ممکن بود او اشتباهاتی بعضاً در مسائل اصولی و بنیانی تفکر اسلامی داشته باشد مثل توحید، یا نبوت و یا مسائل دیگر اما این نباید موجب می‌شد که ما شریعتی را با همین نقاط منفی فقط بشناسیم.»

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در مراسم سومین سالگرد فوت شریعتی که در مسجد اعظم قم برگزار شد، به اختلافات بیهوده‌ای که پیرامون شریعتی شکل گرفت و موجب تخریب چهره وی در جمع مذهبیون شد، اشاره کردند و فرمودند:

«دشمن در آن وقت خوب فهمید که به کجا تکیه کند. نقش اختلاف‌افکنی و در این نقش دشمن یک‌جانبه بازی نکرد، بلکه دو جانبه بازی کرد. از دو طرف دو جناح و دو جبهه را به جان هم انداخت. کسانی را به بهانه اشتباهات شریعتی آنچنان برانگیخته کرد که حاضر شدند بگویند این حتی دین ندارد، سنی بودن پیش کش چون

چیز خیلی کمی بود، معتقد به الله و معتقد به نبوت هم نیست.

متقابلاً عده‌ای را وادار می‌کردند که بیایند به مردم و جوان‌ها بگویند بفرمایید اسلام یعنی این، مسلمان‌ها یعنی این، روحانیت یعنی این، تبلیغ اسلامی حوزه علمیه یعنی این که این اندیشه‌ها و این آرمان‌ها و این هدف‌ها و این سوز و این گداز را بی‌دینی می‌داند. و بازی گرفت و به طور فاجعه‌آمیزی هم گرفت و آن کسانی که در این میانه می‌ایستادند و به دو طرف هشدار می‌دادند



به یک طرف می‌گفتند بابا برای اشتباهات کوچک برای خطاها و لغزش‌های قابل اغماض اصالت‌ها و ارزش‌های بزرگ را فراموش نکنید و به قول خود شریعتی مجازات را به قدر گناه بدهید و نه بیشتر، او خودش هم می‌گفت من اشتباهاتی دارم، اما مجازاتی که بعضی از آقایان برای من در نظر می‌گیرند صدبرابر بزرگتر از اشتباه من است. اگر صد برابر بزرگتر نبوده ده برابر بزرگتر بود و به این طرف بگویند موضع عکس‌عملی انفعالی پیدا نکنید.»

حافظه

جدایی پاناما از کلمبیا

نگاهی به حضور استعمارگران در سرزمین سرخپوستان

«کلمبیا» شمال غربی‌ترین کشور آمریکای جنوبی است که در جنوب با ونزوئلا، برزیل، اکوادور و پرو، در شمال از طریق دریای کارائیب با اقیانوس اطلس و از غرب با پاناما و اقیانوس آرام هم‌مرز است. واژه کلمبیا از نام «کریستف کلمب» گرفته شده است. در ابتدا فرانسیسکو میراندا انقلابی لاتینی، این واژه را برای اطلاق به دنیای جدید (قاره آمریکا، به ویژه کشورهای تحت استعمار اسپانیا و پرتغال) انتخاب کرد. این نام سپس از سال ۱۸۱۹، به طور خاص بر کشوری به نام جمهوری کلمبیا گذاشته شد که متشکل از ونزوئلا، گرانادای جدید و اکوادور بود.

در قرن ۱۵ میلادی، اسپانیایی‌ها این سرزمین را دیدند و از همان زمان تحت سلطه و نفوذ خود آوردند. مبارزات آزادی‌خواهانه مردم کلمبیا از سال ۱۷۸۱م آغاز شد؛ اما از نیمه دوم قرن ۱۹، با رهبری سیمون بولیوار، به نتیجه رسید. بولیوار در کنار مردم کلمبیا سال‌ها با اشغالگران اسپانیایی مبارزه کرد و سرانجام در چنین روزی بر آنها پیروز شد و به حکومت اسپانیا در کلمبیا خاتمه داد.

پاناما نیز بخشی از گرانادای جدید اسپانیا

تاریخ

شماره ۱۲۴۸ | دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

صداقت

تقویم انقلاب

مبارزه با آمریکا شدت گرفت

رسوایی‌های آمریکا در تاریخ معاصر ایران- ۱۵

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



از سال ۱۳۴۰ به بعد که شخص شاه قدرت مطلق را در اختیار داشت، آمریکایی‌ها از رژیم محمدرضا شاه درخواست ویژه‌ای داشتند و آن، اینکه چند هزار مستشار آمریکایی در ایران از هر جهت در مصونیت باشند. این موضوع تحت فشار آمریکا با عنوان «کاپیتولاسیون» باید از طریق مصوبه‌ای از مجلسین گذارنده شود و آمریکا در این امر ننگین مفتضح شد که در چند گزینه بهتر دیده می‌شود:

۱- این امر ننگین در مهرماه سال ۱۳۴۲ به دست دولت «اسدالله علم» شروع شد و وی با پاسخ مثبت، مقدمات آن را فراهم کرد و در مجلسین با یک سیاست قیام و قعود نهایی کرد؛ اما جرئت اعلام آن را نداشت. لذا منتظر ماند تا اینکه در اسفند همان سال، علم از نخست‌وزیری استعفا داد و این کناره‌گیری همچنان در ابهام باقی ماند و موضوع مسکوت گذاشته شد.

۲- چند روز بعد از او، «حسنعلی منصور» عنصر جوان و مورد تأیید و پسند آمریکایی‌ها که تشکیلات جدیدی را به همین منظور سامان داده بود، نخست‌وزیر می‌شود تا موضوع کاپیتولاسیون را اجرایی کند. به گونه‌ای بین دستگاه‌ها هماهنگ شده بود که هیچ نامی از اصل موضوع برده نمی‌شود و به طور محرمانه با عناوینی چون «مصوبه»، «لایحه»، «ماده واحد» ذکر می‌شد.

۳- به همین صورت بی‌نام و نشان و فشارهای زیاد در قالب «ماده واحده» که کلمه قابل فهمی نبود از طریق مجلس سنا به تصویب رساندند. در نهایت کلیات ماده واحده به مجلس شورای ملی فرستاده شد و در جلسه فوق‌العاده در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۴۳ تصویب شد.

۴- برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی گزارش این مصوبه را به حضرت امام(ره) می‌رسانند. این خبر برای امام(ره) خیلی سنگین آمد؛ از همین رو در روز چهارم آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی‌ای انقلابی بر سر همه سران ایران و کشورهای اسلامی فریاد زدند و فرمودند: «امروز سر و کار ما با آمریکاست، رئیس جمهوری آمریکا بداند، این معنا را، بداند که امروز پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است و... دولت آمریکا این مطلب را بداند که او را در ایران ضایع و مفتضح کردند و...»

۵- این سخنرانی به سرعت در سراسر ایران پخش شد. این سخنرانی اقدامات رژیم شاه و دولت حسنعلی منصور را باطل کرد. براساس خاطرات ارتشبد «فرو دست» این خبر به آمریکا رسید و در آنجا تصمیم بر این شد که امام خمینی (ره) را دستگیر کنند و ایشان به ترکیه تبعید شوند. این اقدام زلزله‌ای را بر بدنه ساختار رژیم سیاسی ایران و آمریکا وارد شد و آنها از آن موقع هیچگاه روی آرامش را ندیدند. اولین نشان آن این بود که در اول بهمن ۱۳۴۳ که حسنعلی منصور ساغرور به مجلس شورا می‌رفت، در مقابل در ورود مجلس در میدان بهارستان مورد هدف گلوله شهید محمد بخارایی قرار گرفت و سپس کشته شد.

قبلیه عشق

پاسخ آسمانی
به یگ کارت عروسی!

من و آقا پوریا در حالی با یکدیگر آشنا شدیم که او هنوز وارد دانشگاه افسری نشده بود و لباس پاسداری بر تن نداشت. در یک مغازه لوازم ورزشی، با همان سادگی و فروتنی همیشگی، مشغول کار بود. اما آنچه مرا مجذوب ایشان کرد، نگاه امیدوارانه و سرشار از انگیزه‌اش به زندگی بود. از همان ابتدا به من گفت که هدفش این است که سرباز امام زمان (عج) و پاسدار ولایت باشد و من با تمام وجود، این هدف را پذیرفتم.

مهم‌ترین اتفاق زندگی مشترک‌مان در روزهای منتهی به عروسی رقم خورد؛ آقا پوریا از همان ابتدا به من گفتند: «مرضیه جان، همه کارها را من انجام می‌دهم. فقط به فکر جشن باش و کارت عروسی را آماده کن.» نخستین کارت عروسی باید برای حضرت آقا باشد. من هم کارت عروسی را به اداره پست بردم و برای رهبر شهید انقلاب ارسال کردم. بر روی آن نوشته بودم: «آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند / آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند؟» از طرف عروس خانم طلبه حوزه علمیه کوثر ورامین و آقا داماد دانشجوی دانشگاه افسری امام حسین (ع).

راستش باورم نمی‌شد که پاسخی دریافت کنیم، اما آقا پوریا اصرار داشتند که این کار انجام شود. چند هفته بعد، بسته‌ای به دست‌مان رسید. قلبم به تپش افتاد. هنگامی که آن را گشودیم، دیدیم که پاسخ کارت عروسی ما به همراه یک جلد قرآن کریم ارسال شده است. حضرت آقا در آن نامه، برای ما آرزوی خوشبختی کرده بودند و در انتها، زیباترین و تأثیرگذارترین جمله را نوشته بودند: «برای شما آرزوی عاقبت به خیری دارم.»

من امروز، پس از شهادت آقا پوریا، با یقین می‌گویم که همان دعای عاقبت‌به‌خیری پلر معنوی‌مان، سبب شد که پوریا به بهترین عاقبت، یعنی شهادت دست یابد.

به نقل از همسر شهید شهید پاسدار پوریا سیفی، دوازدهم بهمن ماه سال ۱۳۷۳ در تهران به دنیا آمد؛ اما اصالتاً همدانی بود؛ او از طریق سپاه، راهی دانشگاه افسری امام حسین (ع) شد. شهید سیفی ۲۵ خرداد ۱۴۰۴، در جنگ ۱۲ روزه، به فیض عظیم شهادت نائل آمد. پیکر پاک و مطهر این شهید والا مقام در امامزاده بی‌بی زبیده (س) در شهرستان قرچک، در جوار جمعی از شهدای گمنام، به خاک سپرده شد. از این شهید بزرگوار، یک دختر پنج ساله به نام «فاطمه زهرا» به یادگار مانده است.

پیام فرمانده کل سپاه در پی انتصاب دکتر محسن رضایی به عنوان دبیری و نمایندگی رهبر معظم انقلاب در شعام

نمادی از حکمرانی امیدبخش

سپاه، دبیری ۲۴ ساله مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت اقتصادی رئیس جمهور و نقش کلیدی در تدوین سند چشم‌انداز کشور، نشان از توانمندی کم‌نظیر آن برادر عزیز در مدیریت شرایط پیچیده و راهبردی امروز دارد. بی‌تردید، حضور جناب‌عالی که از چهره‌های برجسته و باسابقه جمهوری اسلامی و دارای ذهنی راهبردی و آینده‌نگر هستید، در شورای عالی امنیت ملی می‌تواند هماهنگی راهبردی میان میدان و دیپلماسی، امنیت اقتصادی و سیاسی را با رویکرد مقاومت و حکمرانی امیدبخش به پیش برد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بازوی ولایت آمادگی خود را برای هر گونه همکاری در تحقق منویات فرماندهی معظم کل قوا اعلام می‌دارد. از درگاه خداوند متعال برای جناب‌عالی توفیق روزافزون در خدمت به نظام، انقلاب اسلامی و ملت شریف ایران مسئلت داریم.

پیام فرمانده کل سپاه در پی انتصاب دکتر محسن رضایی به عنوان دبیری و نمایندگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
برادر ارجمند؛ جناب آقای دکتر محسن رضایی
نماینده محترم رهبر معظم انقلاب اسلامی و دبیر شورای عالی امنیت ملی
سلام علیکم؛

انتصاب شایسته و حکیمانه جناب‌عالی به سمت نماینده رهبر معظم انقلاب اسلامی در شورای عالی امنیت ملی و دبیری این شورا را صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

سوابق کم‌نظیر و پرافتخار جناب‌عالی در عرصه‌های گوناگون، به ویژه ۱۶ سال فرماندهی سپاه ویژه در دوران دفاع مقدس هشت‌ساله، بنیان‌گذاری سازمان اطلاعات



فرمانده کل سپاه: بی‌تردید، حضور جناب‌عالی که از چهره‌های برجسته و باسابقه جمهوری اسلامی و دارای ذهنی راهبردی و آینده‌نگر هستید، در شورای عالی امنیت ملی می‌تواند هماهنگی راهبردی میان میدان و دیپلماسی، امنیت اقتصادی و سیاسی را با رویکرد مقاومت و حکمرانی امیدبخش به پیش برد.

در آیین روز خبرنگار و پاسداشت چهار دهه مجاهدت سیاسی و رسانه ای دکتر سعداله زارعی عنوان شد

مردان خط اول جنگ روایت‌ها

روایت تأکید کرد و گفت: امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند روایت دقیق، سریع و مسئولانه از واقعیت‌ها هستیم و رسانه‌های متعهد در این عرصه وظیفه‌ای خطیر بر عهده دارند.

در بخش دیگری از این مراسم، از سردار دکتر سعدالله زارعی به پاس چهار دهه مجاهدت رسانه‌ای، تلاش‌های مستمر در حوزه تحلیل راهبردی و تربیت نسل‌های جدیدی از فعالان رسانه‌ای و سیاسی، با اهدای لوح تقدیر تجلیل شد و همچنین چند تن از خبرنگاران و فعالین رسانه‌ای مرکز فرهنگی رسانه ای صبا هم مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفتند.

دکتر زارعی نیز در سخنانی، ضمن قدردانی از برگزارکنندگان مراسم، به تشریح آخرین تحولات سیاسی داخلی و منطقه‌ای پرداخت و مهم‌ترین روندهای جاری در محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.



شکل‌دهی به فضای فکری و رسانه‌ای کشور نقش‌آفرینی کند.»

معاون سیاسی سپاه همچنین بر اهمیت حضور فعال و هوشمندانه رسانه‌ها در میدان

دانست و اظهار کرد: «صبح صادق توانسته است در طول بیش از بیست سال فعالیت مستمر، جهاد تبیین، روشنگری و تحلیل سیاسی را با نیازهای روز جامعه پیوند زده و در

در مراسمی که به مناسبت روز خبرنگار و با حضور جمعی از خبرنگاران، فعالان رسانه‌ای و صاحب‌نظران حوزه ارتباطات برگزار شد، از سعدالله زارعی، تحلیلگر برجسته مسائل سیاسی و منطقه‌ای، به‌عنوان «سردار قلم» تجلیل شد. این مراسم به همت معاونت سیاسی سپاه و در مرکز فرهنگی رسانه ای صبا برگزار شد و طی آن، دکتر یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه، با اشاره به ضرورت روایت‌گری به‌هنگام و مسئولانه در عرصه رسانه، به مرور و بازخوانی نقش‌آفرینی رسانه‌های متعهد و دغدغه‌مند و انقلابی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی پرداختند.

وی با اشاره به سابقه فعالیت هفته‌نامه «صبح صادق» در سپهر رسانه‌ای کشور در بیش از دو دهه گذشته، این رسانه را یکی از مجموعه‌های اثرگذار در فضای رسانه‌ای و تحلیلی کشور

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بازشدن تنگه هرمز منوط به پذیرش کامل شروط ایران است



سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزود: «تنگه هرمز برای ما صرفاً یک آبراه اقتصادی نیست، بلکه یک مؤلفه قدرت جغرافیایی و استراتژیک است.» سردار محبی یادآور شد: «بازشدن تنگه هرمز منوط به پذیرش کامل شروط ایران از سوی آمریکا و دست برداشتن آنان از دخالت در روند مذاکرات منطقه‌ای است؛ هر زمان که آمریکا شرایط ایران را بپذیرد، قطعاً تنگه هرمز باز خواهد شد.»

مقدم مواجهه با دشمن و زیر حملات قرار دارند.

سردار محبی ادامه داد: «این حضور، پیامی صریح به دشمن است که رسانه‌های ما زیر بمباران هم پایدارند و دشمن باید در برابر اراده آنها سر تعظیم فرود آورد.»

وی تأکید کرد: «بازگشایی تنگه هرمز تابع سازوکار و شرایط اختصاصی جمهوری اسلامی ایران است و ارتباطی به مذاکرات ایران و عمان ندارد.»

«سردار حسین محبی» گفت: «بازگشایی تنگه هرمز تابع سازوکار و شرایط اختصاصی جمهوری اسلامی ایران است و ارتباطی به مذاکرات ایران و عمان ندارد.»

سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به استان هرمزگان سفر کرده است، ضمن تبریک روز خبرنگار، علت حضور خود در این استان را قدردانی از تلاش‌های جهادی اهالی رسانه در این استان دانست که در خط

خبر

آماده هستیم

«سردار سیدمجید ابن‌الرضا» سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در صفحه شخصی خود در یکی از شبکه‌های اجتماعی، با اشاره بر توان نظامی و وابسته نبودن ایران به تجهیزات و فناوری وارداتی و با تأکید بر توانمندی، خودکفایی و اتکا به ظرفیت‌های بومی، نوشت: «هر روز، نشانه‌های فرسایش توان دشمن آشکارتر می‌شود؛ اما دست نیروهای مسلح ما، با اتکا به صنعت دفاعی کشور، برای پاسخ به هر تهدیدی پُر است. آنان که امروز به‌دنبال خرید امنیت و برتری نظامی وارداتی هستند، به‌زودی خواهند فهمید که فناوری بومی ایران، برتر از هر سامانه‌ای در منطقه است.»

وحدت عشایر

نشست هم‌اندیشی بزرگان عشایر و طوایف خوزستان با حضور «حجت‌الاسلام سیداسماعیل طباطبایی»، مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در قرارگاه منطقه‌ای کر بلا، مدیران ارشد شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و جمعی از مسئولان استانی در اهواز برگزار شد. طباطبایی در این نشست، بر ضرورت حفظ وحدت و همبستگی ملی و تداوم مسیر شهدا تأکید کرد و عشایر را از پشتوانه‌های ارزشمند انقلاب دانست. وی با اشاره به پیشینه استکبارستیزی مردم خوزستان گفت: «عشایر عرب، بختیاری، بهمنی و ترک قشقایی در مقاطع مختلف تاریخی، ایستادگی در برابر تجاوز بیگانگان را به اثبات رسانده‌اند و مردم این استان همواره در خط مقدم دفاع از سرزمین و مقابله با تهدیدها قرار داشته‌اند.»

هلاکت تروریست‌ها

هشت نفر از اشرار و مرتبطان گروهک‌های تروریستی که با تشکیل گروه‌های مسلح، اقدامات ضد امنیتی در سیستان و بلوچستان انجام می‌دادند، طی چند عملیات ویژه جامعه اطلاعاتی شناسایی و دستگیر شدند. این افراد در اقداماتی از جمله حمله به گشت‌ها و مقرهای نظامی و انتظامی، سرقت مسلحانه، گروگان‌گیری نیروها و مهندسان پروژه‌های زیرساختی و ایجاد رعب و وحشت نقش داشتند. از مخفیگاه آنان مقادیری سلاح و مهمات کشف شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، شناسایی مراکز نظامی و انتظامی و هدف قرار دادن نیروهای فعال در طرح‌های عمرانی از اهداف این شبکه بوده و برخی گروگان‌ها نیز به گروهک‌های تروریستی آن سوی مرز تحویل داده می‌شدند.

اقتصاد آزاد در وضعیت جنگی بی‌راهه است

ساحل عباسی

خبرنگار

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین گفت: «در حالی که کشور درگیر جنگ نظامی مستقیم با آمریکاست، این سؤال مطرح می‌شود که چرا رئیس سازمان توسعه تجارت بر این نکته بسیار منفی تأکید دارد که صادرکنندگان می‌توانند ۶۰ درصد ارز را برگردانند، اما درخصوص ۴۰ درصد باقی‌مانده مختار هستند! این سخن به معنای آن است که ده‌ها میلیارد دلار ارز متعلق به کشور در سال به کشور بازگردانده نشود!»

«مجیدرضا حریری» رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در گفت‌وگو با «صبح صادق» درباره الزاماتی که دولت و حاکمیت در وضعیت جنگ اقتصادی و نظامی باید مدنظر و در اولویت دستور کار قرار دهند، گفت: «با توجه به اینکه در جنگ نظامی قرار داریم، به نحوی که همگان مطلع هستند از سال گذشته تاکنون دشمن چندین بار به ایران حمله کرده و نیروهای نظامی کشور نیز متقابلاً در این چرخه وارد شده‌اند و از سوی دیگر آمریکا ایران را در جنوب کشور تحت محاصره دریایی برای تحمیل فشار بیشتر اقتصادی و کاهش درآمدزایی نفتی قرار داده است، پس در وضعیت جنگی به سر می‌بریم؛ لذا لازم است دولت و حاکمیت با مردم رو راست باشند و وضعیت اقتصاد جنگ را به همگان اعلام کنند.» وی در این باره خاطر نشان کرد: «در وضعیت جنگی، اگر دولت وضعیت جنگی را به همگان اعلام کند، سیاست‌ها و راهبردها بسیار متفاوت از زمان عادی می‌شود. بنابراین در این وضعیت دولت باید به جد از منابع ارزی کشور صیانت کند و نباید کالاهای لوکس و گران‌قیمتی که عموم مردم از آن استفاده نمی‌کنند و قدرت خرید آن را ندارند، وارد شود. متأسفانه قوانین و شرایط امروز درست مانند قوانین و شرایط زمان صلح یا زمانی است که جنگی وجود ندارد؛ در حالی که این موضوع، یعنی عادی نشان دادن شرایط خطاست.»

حریری در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «با توجه به اینکه دورنمای صلح و آتش‌بس پایدار با طرف آمریکایی مشخص نیست، منابع ارزی کشور باید به بهترین نحو ممکن و براساس مختصات اقتصاد جنگی استفاده شود، نه با عناوین زیبا و فریبنده‌ای، مانند ایجاد رقابت



در صنعت خودروسازی که تاکنون به مرزهای واقعی رقابت با صنعتگران خارجی نرسیده اقدام به واردات خودروهای لوکس و گران‌قیمت کنیم؛ در حالی که می‌دانیم صرفاً عده معدودی از مردم خریدار این خودروها هستند و همه مردم کشور در این ماجرا ذی‌نفع نیستند.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین در این باره تصریح کرد: «در جنگ اقتصادی و نظامی که کشور تحت فشارهای گوناگونی است و امروز محاصره دریایی نیز به آن افزوده شده است، ورود لوازم خانگی خارجی که نیازمند خروج ارز از کشور است، باید ممنوع اعلام شود؛ یعنی تا جایی که توان داخلی امکان تأمین نیازهای مردم در حوزه لوازم خانگی و سایر کالاها را دارد، باید از واردات و هدر دادن منابع ارزی کشور خودداری کرد. در واقع منابع ارزی کشور باید صرف واردات کالاهای اساسی و مواد اولیه و نه کالاهای لوکس و مصرفی شود.»

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی با ذکر این نکته که دولتمردان و مسئولان در وضعیت کنونی باید با مردم صادق باشند، گفت: «دولت در خصوص جنگ و پیامدهای آن در همه حوزه‌ها، به ویژه حوزه اقتصادی که اینجا مورد بحث ماست، باید با مردم صادق باشد به این معنا که شتر سواری دولا دولا نمی‌شود؛ چرا که ما امروز در جنگ مستقیم نظامی و اقتصادی با دشمن قرار داریم و در عمل باید به این مفهوم بسیار مهم برسیم که جنگ باید به تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها منجر شود.»

وی در این باره توضیح بیشتری داد و گفت: «وقتی می‌گوییم جنگ، یعنی تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، به معنای آن است که در چنین

وضعیتی به هیچ وجه نباید به نسخه‌های برخی اقتصاددانان، که از اجرا و پیوستن به اقتصاد آزاد و آزادی در قیمت‌گذاری سخن می‌گویند، توجه کنیم؛ چرا که این سخنان و این فرمول‌ها جایی در اقتصاد جنگی ندارد، بلکه فقط مخاطرات کشور را افزایش می‌دهد.»

حریری معتقد است: «در حالی که کشور درگیر جنگ نظامی مستقیم با آمریکاست، این سؤال مطرح می‌شود که چرا رئیس سازمان توسعه تجارت بر این نکته بسیار منفی تأکید دارد که صادرکننده ۶۰ درصد ارز را می‌توانند برگردانند؛ اما در زمینه ۴۰ درصد باقی‌مانده مختار هستند! این سخن به معنای آن است که ده‌ها میلیارد دلار در سال به کشور بازگردانده نشود! چرا رئیس سازمان توسعه تجارت در حالی که کشور به شدت نیازمند ورود ارز است، باید این چنین نسخه‌هایی برای کشور بپیچد؟»

حریری با انتقاد از این نوع مدیریت‌ها در کشور، گفت: «مدیرانی که در بحبوحه جنگ اقتصادی چنین نسخه‌هایی می‌پیچند، قطعاً درک مناسبی از وضعیت کشور ندارند. اینجا دیگر جای مدارا نیست؛ چرا که منافع ملی و عموم مردم ایران که در وضعیت سخت اقتصادی به سر می‌برند مطرح است؛ لذا مدیرانی که نسخه‌هایی علیه تأمین امنیت ملی در همه حوزه‌ها می‌پیچند که بخش اقتصادی نیز یکی از حساس‌ترین این حوزه‌هاست، قطعاً ضد منافع ملی عمل می‌کنند؛ بنابراین، در این شرایط دولت نباید با آنها رودربایستی کند، بلکه باید مدیرانی را که متوجه شرایط جنگ هستند، روی کار بیاورد و مدیرانی را که متوجه شرایط نیستند، کنار بگذارد.»

رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین تصریح کرد:



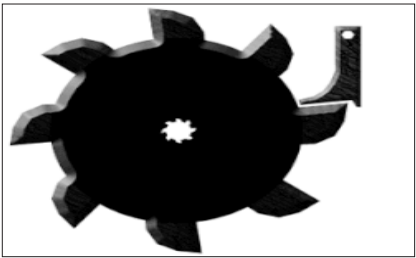
«برای نمونه، طی چند روز گذشته رئیس سازمان توسعه تجارت از بانک مرکزی گلایه می‌کند چرا صادرات ریالی را نمی‌پذیرد، در حالی که خوب می‌دانیم در این وضعیت صادرات ریالی مطلوب نیست؛ چرا که خرید اسکناس ارز از بازار آزاد با قیمت حدود ۱۹۰ هزار تومانی به فشار بر بازار ارز و افزایش قیمت ارز منجر می‌شود. بی‌تردید، در این وضعیت دیگر جای تکرار بی‌خردی‌های مدیریتی نیست؛ چرا که اگر این رفتارها عامدانه هم نباشد رفتارها و مدیریت‌های ناآگاهانه کشور را در مسیر سراسیبی سختی قرار می‌دهد که به نفع مردم نیست.»

وی در ادامه بحث تأکید کرد: «مردم را باید برای بدترین وضعیت اقتصادی آماده کرد، ضمن اینکه با سیاست‌های درستی که منافع عموم مردم را تأمین کند، باید حمایت‌های اجتماعی را هم ارتقا داد. در کشوری که بیش از ۷۶ درصد خانوارها با ماهی ۲۵ میلیون تومان و کمتر از آن زندگی می‌کنند، نمی‌توان مدام مردم را تحت فشار قرار داد و گفت این را نخر آن را نخور و...؛ چرا که به طور طبیعی بخش بزرگی از مردم نمی‌توانند تمام کالاهای مورد نیازشان را خریداری کنند. در چنین وضعیتی، تمام چیزهایی که «بازار آزاد» یا «آزادی اقتصادی» و «الیرالیسم اقتصادی» نامیده می‌شود، باید کنار گذاشته شود تا دولت بر اقتصاد جنگی متمرکز شود. در اقتصاد جنگی، نمی‌توان گفت ارز صادرکننده متعلق به خودش است؛ چرا که صادرکننده از منابع و انرژی ارزان این مردم برای صادرات بهره‌برده است؛ لذا نباید عده‌ای از منابع ارزان به نفع خود استفاده کنند، در حالی که بخش قابل توجهی از مردم جامعه تحت فشار اقتصادی قرار دارند.»

افزوده

اثر چرخ‌دنده‌ای

«اثر چرخ‌دنده‌ای» یکی از اصطلاحات جالب اقتصادی است که برای توضیح رفتار قیمت‌ها و هزینه‌ها به کار می‌رود. منظور وضعیتی است که یک متغیر اقتصادی پس از افزایش، به‌سادگی به سطح قبلی باز نمی‌گردد؛ درست مانند چرخ‌دنده‌ای که حرکت می‌کند، اما به عقب بر نمی‌گردد. برای نمونه، افزایش دستمزدها، هزینه تولید یا قیمت مواد اولیه ممکن است قیمت نهایی کالا را بالا ببرد؛ اما حتی با کاهش بخشی از این هزینه‌ها، قیمت کالا الزاماً به سطح گذشته بازمی‌گردد. این مفهوم در تحلیل تورم، قیمت‌گذاری و رفتار بازار اهمیت دارد و نشان می‌دهد چرا کاهش تورم لزوماً به معنای ارزان‌شدن کالاها نیست.



شاخص

آب رفتن ذخایر نفت

ذخایر نفت خام آمریکا در یکی از کم‌سابقه‌ترین دوره‌های کاهش خود قرار گرفته و برای ۱۷ هفته متوالی کاهش یافته است؛ روندی که طولانی‌ترین دوره افت هفتگی ذخایر نفت خام آمریکا در تاریخ به‌شمار می‌آید. بر اساس داده‌های منتشر شده، روند نزولی ذخایر نفت خام آمریکا رکورد قبلی ۱۶ هفته کاهش متوالی در سال ۲۰۲۱ را پشت سر گذاشته است. از اوایل ماه آوریل تاکنون، مجموع ذخایر نفت خام آمریکا حدود ۱۶۶ میلیون بشکه کاهش یافته و به حدود ۷۱۲ میلیون بشکه رسیده است. این میزان موجودی، پایین‌ترین سطح ثبت‌شده از مارس ۱۹۸۴ تاکنون است که نشان می‌دهد نفت خام آمریکا با سرعت رویه کاهش است.



منهای نفت

ظرفیت بزرگ

صنعت فرآورده‌های گوشتی ایران، در کنار تأمین بازار داخلی، ظرفیت قابل توجهی برای حضور در بازار کشورهای منطقه دارد. بر اساس داده‌های تجارت جهانی، ایران در سال ۲۰۲۲ حدود ۳۲۷ تن سوسیس و فرآورده‌های مشابه به ارزش ۴۱۴ هزار دلار صادر کرد؛ امارات، عراق و عمان مهم‌ترین مقصدهای ثبت شده بودند. هرچند این رقم در مقایسه با ظرفیت تولید کشور چندان بزرگ نیست، اما نزدیکی جغرافیایی و دسترسی ایران به بازارهای منطقه، فرصت توسعه صادرات را فراهم کرده است. رونق این بخش می‌تواند افزون بر ارزآوری، به افزایش تولید، حفظ و ایجاد اشتغال در زنجیره‌ای از دامداری، صنایع غذایی، بسته‌بندی، حمل و نقل و تجارت منجر شود.



یادداشت

ممنوعیت به وقت محدودیت!

احساس قمری

کارشناس اقتصادی

یکی از موضوعات مهم در زمان جنگ اقتصادی و تحریم‌ها و به ویژه هنگام محاصره دریایی که ممکن است برای مسئولان اقتصادی و عموم مردم در اولویت قرار گیرد، «تخصیص ارز» است. تخصیص ندادن ارز به واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری که از جمله خودروهای گرانقیمت نیز در این فهرست قرار می‌گیرند، موضوع بسیار مهمی است؛ چرا که در محاصره دریایی و جنگ نابرابر اقتصادی که دشمن با تشدید سخت‌ترین تحریم‌ها به ما تحمیل کرده است، نباید منابع محدود ارزی کشور به کالاهایی تخصیص داده شود که عموم مردم از واردات آن منتفع نمی‌شوند؛ بلکه هدف‌گذاری آن روی تعداد محدودی از افراد جامعه است که عمدتاً نیز جزء قشر متمول هستند.

در وضعیت کنونی، اقتصاد ایران که با محدودیت شدید منابع ارزی و تحریم‌های بین‌المللی دست به‌گریبان است، مسئله تخصیص بهینه ارز به یکی از حساس‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است. آنچه در این میان به مثابه یک چالش ساختاری تأمل‌برانگیز است، بی‌انضباطی در تخصیص ارز به کالاهای غیر ضرور و لوکس است که نه تنها با اصول عدالت اقتصادی در تضاد است، بلکه کارایی سیاست‌های ارزی را به شدت کاهش می‌دهد. بر اساس قوانین وارداتی ایران، کالاهای وارداتی به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند؛ اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، فقدان نظارت کافی بر اجرای این طبقه‌بندی و نفوذ رانت‌خواهی در فرایند تخصیص ارز است.

البته نهادهای تصمیم‌گیر گام‌هایی برای ساماندهی این وضعیت برداشته‌اند. وزارت صمت با تشکیل کمیته ارزی ویژه به ریاست وزیر، هدف خود را «اصلاح و ساده‌سازی فرایند تخصیص ارز با اولویت بخش تولید» اعلام کرده است. همچنین در مناطق آزاد، توافقی با بانک مرکزی صورت گرفته تا صف‌های تخصیص ارز از سرزمین اصلی تفکیک شده و به تولیدکنندگان اولویت داده شود. با این حال، همزمان با این اقدامات، قانون ممنوعیت واردات کالاهای دارای مشابه داخلی که پیشتر بر اساس برنامه ششم توسعه اجرا می‌شد، منقضی شده و در برنامه هفتم جایگزین نشده است. این خلأ قانونی، عملاً مسیر را برای واردات طیف گسترده‌تری از کالاها- از جمله برخی اقلام غیر ضروری- هموار کرده و بازرگاری را ضروری می‌کند.

دولت برای مدیریت واردات غیر ضروری از جمله خودروهای لوکس، از ابزار تعرفه‌های سنگین استفاده می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نرخ تعرفه خودروهای لوکس به ۱۶۵ درصد رسیده است. هرچند این سیاست تا حدی می‌تواند جلوی واردات بی‌رویه را بگیرد، اما به تنهایی راهگشا نیست؛ چرا که اولاً خودروهای لوکس با قیمت‌های نجومی همچنان وارد می‌شوند و ثانیاً این تعرفه‌ها هزینه‌نهایی را چنان افزایش می‌دهد که عملاً بازار را به انحصار اقشار بسیار مرفه درمی‌آید و عدالت اقتصادی را نقض می‌کند. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است، هرگونه بی‌انضباطی در تخصیص ارز، نه تنها به افزایش تقاضا در بازار آزاد و رشد قیمت ارز دامن می‌زند، بلکه به معیشت عمومی و توان تولید داخل نیز آسیب می‌رساند.

نقد صبح صادق بر زنده‌شور دومین ساخته کاظم دانشی

چوبه‌دار و ساز شاعرانه!

گروه فرهنگ

صبح صادق

فیلم سینمایی «زنده‌شور» را باید اثری دو لبه دانست؛ اثری که بسته به زاویه دید و موضع فکری مخاطب، معانی و تفاسیر متفاوتی پیدا می‌کند. از این رو، علاقه‌مندان به درام‌های اجتماعی و سینمای جنایی و دادگاهی می‌توانند منتظر تماشای اثری اثرگذار، داغ و قابل احترام در این حوزه باشند.

«کاظم دانشی» پس از تجربه «علفزار»، در دومین اثر سینمایی خود به بلوغ قابل توجهی در کارگردانی دست یافته است. «زنده‌شور» چه در حوزۀ فیلمنامه و چه در اجرا و دکوپاژ، اثری پخته و شش‌دانگ به شمار می‌رود. بخش عمده‌ای از این موفقیت، ناشی از تمرکز و استمرار فیلمساز در حوزه مورد علاقه‌اش، یعنی درام جنایی، آیین‌های دادگاهی و به‌ویژه تمرکز بر پرونده‌های پیچیده مربوط به مسئله «قصاص» است. دانشی در این فیلم نیز مانند «بی‌بدن» (که نگارش فیلمنامه‌اش را بر عهده داشت)، مسئله قصاص را از زاویه دید افراد با طیف‌های فکری و مواضع گوناگون به تصویر کشیده است. او با ارائه یک روایت چندبعدی و ملموس، به مخاطب کمک می‌کند تا به درک و تحلیلی تازه از پیچیدگی‌های انسانی و حقوقی این ماجرا برسد. در این اثر، ما هم‌زمان با خانواده مقتول، خانواده قاتل، شخص متهم و مجرم و البته اجراکنندگان حکم مواجه می‌شویم؛ طیف متنوعی که از پزشک قانونی، زندانبان و سرِباز گرفته تا قاضی پرونده، بازپرس و روحانی زندان را شامل می‌شود.

اما تفاوت اساسی و کلیدی «زنده‌شور» با نوشته قبلی دانشی، یعنی «بی‌بدن»، در نوع نگاه فیلم به چهره مجرم‌مان نهفته است؛ در اینجا با تصویری تا حد زیادی همدلی‌برانگیز و

معصومانه از قاتل‌ها و مجرمان رویه‌رو هستیم.

این مسئله به‌ویژه درباره جوان محکوم به اعدام در فیلم جلب توجه می‌کند؛ جوانی که جرم او به شهادت پرونده، قتل پدر و مادرش است و قاعدتاً در باور عمومی و منطق درام باید فردی قسی‌القلب، شرور و سنگ‌دل باشد. اما برخلاف انتظار، فیلمساز او را فردی اهل دل، نوازنده و احساساتی معرفی می‌کند. در یک طراحی شبیه به فضاهای فانتزی و شاعرانه، این جوان مجرم پای چوبه‌دار ساز می‌زند و با نوای موسیقی خود اشک از چشم تمام حضار، از اولیای دم گرفته تا مأموران اعدام جاری می‌کند! جهت‌گیری و هدف‌گذاری اصلی فیلم، ترویج فرهنگ «بخشش و گذشت» در برابر «قصاص» است. بدون تردید، اهتمام هنرمندان به ترویج فرهنگ عفو، مدارا و گذشت در جامعه، اقدامی بسیار ارزشمند، حیاتی و شایسته قدردانی است؛ اما نقطه صدمه‌زننده اثر درست در همین جا شکل می‌گیرد: جای تبیین صحیح، منصفانه و جامع حکم الهی «قصاص» در این‌گونه آثار کاملاً خالی است.

فیلمساز متأسفانه تصویری کژتابانه و یک‌طرفه از قانون قصاص ارائه می‌دهد. در بخشی از فیلم، آیه شریفه قرآن درباره قصاص قرائت می‌شود، اما اثر در حد همین خوانش باقی می‌ماند و روان‌شناسی درام به سمتی می‌رود که نزد برخی مخاطبان قصاص را حکمی سخت‌گیرانه و خشن جلوه دهد. این در حالی است که قرآن کریم با صراحت و زیبایی هر چه تمام‌تر تأکید می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»؛ یعنی قصاص، مایه حیات، امنیت و بقای جامعه است. یک درام جان‌دار و اندیشه‌ورز باید با زبان هنر روشن کند که چرا و چگونه قصاص ضامن حیات اجتماعی است و چرا شرع مقدس، حق طلب قصاص را برای ولی دم محفوظ داشته تا مانع

از گسترش ناامنی، بی‌قانونی و جنایت شود. وقتی فیلم همه‌چیز را به نفع جانب قاتل سنگین می‌کند و حیات‌بخش بودن این اصل مترقی دینی را نادیده می‌گیرد، موازنه حق و عدل در ذهن مخاطب برهم می‌خورد.

از منظر ویژگی‌های فنی و ساختاری، نقطه قوت برجسته «زنده‌شور» در این است که موتور درام، از همان دقایق ابتدایی فیلم روشن می‌شود و تا سکانس‌های پایانی، گرم، پرتیش و بدون وقفه و سکنه به کار خود ادامه می‌دهد. فضای فیلم هر چند تماماً با رنج، مرگ و چوبه‌دار دست‌وپنجه نرم می‌کند، فضایی زنده، پرشور و پرتحرک است.

از سوی دیگر، در این فیلم با یک «بهرام افشاری» متفاوت و غیرمنتظره مواجه هستیم. این بازیگر که بیشتر با آثار کم‌دی شناخته می‌شود، توانسته است از پس ایفای نقشی جدی، پیچیده و تلخ در اثری تراژیک به خوبی برآید و توانمندی بازیگری خود را به رخ بکشد. بازی «شبنم مقدمی» نیز استانداردهای لازم را دارد و تماشایی است؛ هر چند شخصیت‌پردازی نقش او تا انتها کامل نمی‌شود و نوعی بالاتکلیفی و گنگی در رفتارهای شخصیت به چشم می‌خورد.

با وجود این، زمان کل فیلم اندکی طولانی و خسته‌کننده به نظر می‌رسد. برای نمونه،

▬ **برداشت** ▬

روایت زیارت

تأملی بر جایگاه فرهنگی و تمدنی امام رضا(ع) و حرم رضوی

ادبیات آیینی گرفته تا خوشنویسی، نگارگری، معماری، موسیقی و هنرهای نمایشی، فرهنگ رضوی طی قرن‌ها الهام‌بخش آفرینش‌های گوناگون بوده است. گنبد و گلدسته‌های حرم، صحن‌ها و رواق‌ها، کاشی‌کاری‌ها و کتیبه‌ها تنها عناصر معماری نیستند؛ هر یک بخشی از یک روایت تمدنی‌اند که در آن هنر در خدمت معنا قرار گرفته و زیبایی به پلی برای رسیدن به حقیقت تبدیل شده است. با این همه، فاصله میان ظرفیت عظیم این میراث فرهنگی و میزان بازنمایی آن در رسانه‌های معاصر، به‌ویژه سینما و تلویزیون، همچنان تأمل‌برانگیز است. در حافظه تصویری چندنسل از ایرانیان، مجموعه تلویزیونی «ولایت عشق» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده جایگاهی ویژه دارد. این اثر توانست بخشی از زندگی امام رضا(ع)، اوضاع سیاسی دوران مأمون و مسئله ولایت‌عهدی را در قالب یک روایت نمایشی به مخاطب عرضه کند و به یکی از آثار ماندگار تلویزیون درباره تاریخ امامت تبدیل شود. اما پرسش اساسی این است که آیا برای شخصیتی با این عظمت و برای میراثی با چنین گستره‌ای، چند اثر محدود و در رأس آنها یک سریال ماندگار کافی است؟

پاسخ روشن است: قطعاً نه.

زندگی امام رضا(ع) سرشار از موقعیت‌ها و مضامین دراماتیک و انسانی است. مناظرات علمی حضرت با اندیشمندان و پیروان ادیان و مکاتب گوناگون، مواجهه هوشمندانه ایشان با ساختار سیاسی مأمون، نحوه مدیریت بحران ولایت‌عهدی، سیره خانوادگی، رفتار



سکانس‌ها و صحنه‌های مربوط به آسایشگاه سربازان زندان کاملاً اضافی و بدون کارکرد درامی هستند و حذف کامل آن‌ها هیچ ضربه و لطمه‌ای به بدنه اصلی داستان وارد نمی‌کند. همچنین حجم بالا و تکراری صحنه‌های زجرآورِ ضجه، فغان و ناله‌های خانواده فرد اعدامی، اگر تعدیل و کمتر می‌شد، حس خفگی و تلخی بیش از حد فیلم را کاهش می‌داد و فضای بصری و روانی بهتری برای تنفس مخاطب ایجاد می‌کرد.

در نهایت، جای تعجب و تأسف فراوان دارد که برخی فیلمسازان ما حتی در فضای یک درام جنایی، تراژیک و سنگین نیز از شوخی‌های غیر اخلاقی، متلک‌های جنسی و اشارات زنده دست برنمی‌دارند. شوخی‌ها و گفتارهای طنزآمیز جنسی که در برخی لحظات فیلم گنجانده شده، مطلقاً هم‌خوانی و سنخیتی با فضای دراماتیک و غم‌انگیز «زنده‌شور» ندارد و به شدت توی ذوق مخاطب دغدغه‌مند می‌زند و به وقار اثر آسیب وارد می‌کند.

در مجموع، «زنده‌شور» گامی رو به جلو برای کاظم دانشی در کارگردانی و خلق درام پرکشش است، اما شایسته بود که با دقت در حوزه محتوا و پرهیز از نگاه‌های یکجانه به احکام دینی، اثری ماندگارتر و متعالی‌تر را به دفتر سینمای اجتماعی ایران اضافه می‌کرد.

رمان تاریخی، داستان کوتاه، ادبیات کودک

و نوجوان، سفرنامه، خاطره‌نگاری و ادبیات آیینی می‌توانند روایت امام رضا(ع) را از قالب‌های تکراری خارج و به نسل‌های جدید منتقل کنند. هنر اگر قرار است در خدمت معرفت رضوی باشد، باید زبان‌های متنوع و مخاطبان متفاوت را بشناسد؛ از کودک و نوجوان گرفته تا مخاطب حرفه‌ای سینما و ادبیات و حتی مخاطب غیرایرانی.

در جهان امروز که بحران هویت و هجوم گسترده روایت‌های رسانه‌ای، ذهن و سبک زندگی نسل جوان را تحت تأثیر قرار داده است، جامعه بیش از گذشته به الگوهایی نیاز دارد که هم معنوی و اخلاقی باشند و هم برای انسان معاصر قابل فهم. امام رضا(ع) می‌تواند در چنین بستری، نه به منزله یک شخصیت صرفاً تاریخی، بلکه به‌عنوان الگویی زنده از علم، گفت‌وگو، اخلاق، عقلانیت، کرامت و معنویت معرفی شود؛ از همین رو، تولید آثار رضوی نیازمند یک نگاه راهبردی است؛ نه تولیدهای مناسبتی و مقطعی.

ایران اسلامی در فرهنگ رضوی، سرمایه‌ای تمدنی در اختیار دارد که هنوز بخش بزرگی از ظرفیت آن در هنر و رسانه کشف نشده است. باید از «زیارت» به منزله یک تجربه انسانی و فرهنگی، از «امام رضا(ع)» به‌عنوان یک شخصیت تمدن‌ساز و از «مشهد» به مثابه یکی از کانون‌های بزرگ هویت ایرانی – اسلامی، روایت‌های تازه و اثرگذار آفرید.

اگر این اتفاق بیفتد، هنر دیگر صرفاً تصویرگر یک گنبد و بارگاه نخواهد بود؛ بلکه می‌تواند مخاطب را به درون معنای زیارت ببرد، با جهان فکری امام رتوف آشنا کند و میان میراث رضوی و نیازهای انسان امروز پلی ماندگار بسازد.

۷

فرهنگ

شماره ۱۲۴۸ | دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

صبح صادق

▬ **یادداشت** ▬

شکوه نبوی در سینما

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



سینمای غرب از همان نخستین روزهای شکل‌گیری، ابزاری استراتژیک برای مهندسی اجتماعی و تثبیت ایدئولوژی لیبرال‌سرمایه‌داری و اندیشه‌های صهیونی بوده است. در این ساختار روایی، صنعت تصویر با تکیه بر سکولاریسم و اومانیسم، مفاهیم آخرالزمانی و مسیح‌گرایی زمینی و تحریف‌شده را ترویج کرده و با اقتباس از روایات مجعول عهد عتیق، تاریخی جعلی از انبیای الهی را به خورد مخاطبان داده است. بر اساس آمارهای موجود، تاکنون بیش از ۲۵۰ فیلم درباره حضرت عیسی(ع) و ۱۲۰ فیلم درباره حضرت موسی(ع) بر پرده سینماهای جهان نقش بسته است؛ آثاری که نه‌برای تبیین حقیقت توحید، بلکه برای بازنمایی وارونه از پیامبران و جان‌انداختن غرب به‌عنوان «منجی متمدن» ساخته‌شده‌اند. هر چند ساخت فیلم «الرساله» به کارگردانی مرحوم «مصطفی عقاد» یک استثنا بود؛ اثری که چند دهه است با موضوع بعثت حضرت رسول و ظهور دین مبین اسلام، از تلویزیون ایران هم پخش می‌شود و با وجود تماشای چندباره، باز هم مخاطب را به وجد می‌آورد. زندگی پیامبر اسلام چنان باشکوه است که حتی بازنمایی بخشی از آن در این فیلم هم موجب شده تا بیننده فیلم، متوجه سه ساعت زمان فیلم نشود و غرق این زیبایی می‌شود.

در نقطه مقابل، سینمای ایران که در اصل باید و بترتیبی برای فرهنگ اسلامی و ایرانی ما باشد، طی چهار دهه گذشته عملکردی بسیار منفعانه و نگران‌کننده در پرداختن به ریشه‌های اعتقادی داشته است. متأسفانه رسوخ تفکر سکولار و هراس ناشی از برچسب‌زنی‌های جریان شبه‌روشنفکری موجب شد که بسیاری از فیلم‌سازان از ورود به عرصه آثار دینی و پرتره‌انبیای الهی گریزان باشند.

با این حال، تجربه‌های محدود سینمای ایران به خوبی اثبات کرد که مخاطب تشنه حقیقت و حقیقت‌جویی است. سریال «یوسف پیامبر» با ارائه روایتی توحیدی در برابر تعریفات هالیوود، به یکی از پر مخاطب‌ترین آثار تلویزیونی جهان اسلام تبدیل شد. همچنان که فیلم «موسی» ابراهیم حاتمی‌کیا به تجربه‌ی در استفاده از فناوری نوین در ترسیم یک موضوع معنوی در سینمای ایران تبدیل شد. اتفاق اصلی اما در سینما، با فیلم فاخر «محمد رسول‌الله(ص)» ساخته مجید مجیدی رقم خورد.

این اثر، نخستین تجربه بزرگ سینمای ایران در به‌کارگیری پیشرفته‌ترین تکنیک‌های تصویربرداری، جلوه‌های ویژه و موسیقی در خدمت‌والاثرین موضوع جهان اسلام بود. مجیدی با هوشمندی، دوران کودکی و نوجوانی حضرت ختمی مرتبت(ص) را محور داستان قرار داد؛ مقطعی از تاریخ که کمتر به آن پرداخته شده بود. فیلم تصویری بی‌نهایت انسانی، رحمانی و ابراهیمی از پیامبر رحمت ارائه داد و هم‌زمان توطئه‌های کانون‌های صهیونی در دوران جاهلیت را بر ملا کرد.

امروز در نبرد نابرابر نرم و تهاجم فرهنگی غرب، سینمای ایران نیازمند خروج از پیله آثار آپارتمانی و بی‌خاصیت و حرکت به سمت ساخت آثار بزرگ توحیدی است. پیامبر اعظم(ص) نقطه وحدت‌بخش امت اسلامی و نجات‌بخش بشر حیران امروز است؛ اگر زبان هنر هفتم را دقیق بشناسیم و تکنیک را در خدمت عقیده قرار دهیم، پرچم حقیقت بر برج‌های خاموش سینمای دنیا به اهتزاز درخواهد آمد.

صادق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
صاحب امتیاز
معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
مدیر مسئول:یدالله جوانی
سر دبیر:علی حیدری

شورای سیاست گذاری:
سیامک باقری،سعدالله زارعی،
عزیز غضنفری، مهدی سعیدی،فتح الله پریشان،
علی قاسمی، حسین عبداللہی فر،رضاصارمی راد
دبیر تحریریه:سیدفخرالدین موسوی
مدیر فنی: محمد صالح نادری
نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی
صفحه‌آرا:علی اکبر هدایتی
عکاس: حامد گودرزی
ناظر چاپ:سید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶
تلفن: ۰۲۱) ۷۷۴۶۰۱۰۰و ۷۷۴۶۰۱۰۱
basirat.ir
@sobhesadegh_fa
نمابر: ۷۷۴۸۸۴۲۶
سامانه پیامک: ۰۲۳۰۳۰۰۹۹۰۳

شماره ۱۲۳۸ | دوشنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۵

مکتب

تبلیغ حکومت عدالت گستر

سیدمرتضی رضایی

کارشناس مذهبی

بسا تأمل در کلام گهربار امیرالمؤمنین(ع) که می‌فرمایند: «بی‌رغبتی مردم به حکومت ستمکار به همان اندازه است که به حکومت عدالت‌گستر علاقه‌مندند.» (تصفیح‌غرر/ح ۷۷۳۵) به این حقیقت رهنمون می‌شویم که فطرت پاک انسانی، نیک و بد را تشخیص می‌دهد و به‌طور غریزی می‌تواند قضاوت کند که نظامی در مسیر عدالت گام برمی‌دارد یا در ورطه ستم فروخته است؟ این درک فطری، سرمایه‌ای عظیم برای بشریت است؛ اما متأسفانه بسیاری از مردم جهان وقتی با حکومتی ناصالح مواجه می‌شوند، نه‌تنها توان تغییر آن را ندارند، بلکه گاه از شناخت و یافتن جایگزین عادلانه نیز عاجز می‌مانند. این ناتوانی در نشناختن دقیق مفهوم حکومت عادلانه و «مصدق عینی» آن ریشه دارد. از این‌رو، صرف وجود حکومتی که در مسیر عدالت و معرفت حرکت می‌کند، کافی نیست؛ بلکه این نظام موظف است با زبانی گویا و رفتاری عملی، جهان را با معنای حقیقی حکومت انسانی و عدالت‌محور آشنا کرده و اثبات و میلی پایدار در دل‌ها برای دستیابی به چنین نظامی ایجاد کند. بدیهی است که حکومت دینی و مردم‌نهاد اگر چه باید محوریت خود را بر عدالت و انسانیت استوار کند، کارکرد اصلی آن فراتر از اداره صرف جامعه است و بار سنگین تبلیغ و هدایت را نیز بر دوش می‌کشد؛ زیرا تا زمانی که افکار عمومی جهان به روشنی با الگوی زیست عادلانه آشنا نشوند، هرگونه تلاش برای اصلاح، با مانع بزرگ چهل و بی تفاوتی روبه‌رو خواهد شد. این نبرد همیشگی میان حکومت‌های الهی با حکومت‌های شیطانی بوده است که باید مردم آن را ادامه دهند. نبرد نظامی هرچند ممکن است در برهه‌ای کوتاه روی دهد و گرمای آن با گذشت زمان فروکشد؛ اما جنگ عقیدتی و تبلیغی هیچگاه پایان نمی‌پذیرد و سردی نمی‌شناسد. این نبرد نرم، به مراتب ژرف‌تر و فراگیرتر از درگیری‌های مسلحانه است، زیرا باورها، ارزش‌ها و هویت ملت‌ها را هدف می‌گیرد. حکومت‌های سلطه‌گر جهان، به‌خوبی دریافته‌اند که بزرگ‌ترین تهدید برای منافع‌شان، نه توان نظامی رقیب، بلکه ظهور الگویی موفق از حکومت عدالت‌گستر است که می‌تواند مشتاقان عدالت را به خود جذب کند.

در واقع، امروز آنچه را که ما به عنوان مقابله با گسترش دین اسلام مشاهده می‌کنیم، همان مبارزه‌ای تمام‌شده‌نی و فرازمانی است که با دروغ‌پردازی، وارونه‌نمایی حقایق و تحریف چهره حقیقی اسلام، سعی در القای این توهم دارد که گویا دین اسلام با مفاهیم مدرن حقوق بشر و دموکراسی ناسازگار است.

صبحانه نباید ناامید شد

در زندگی باید آنقدر قوی بود که که بدانی باید بعضی چیزها را رها کنی، و باید آنقدر صبور باشی که بدانی باید برای چیزی که لیاقت هست، صبر کنی و باید آنقدر تجربه کنی که بدانی باختی وجود ندارد. بعضی وقت‌ها موفق می‌شوی و بعضی وقت‌ها یاد می‌گیری؛ پس نباید ناامید شد.

منبر

اگر زکات ندهند...

گفتاری از استاد محسن قرائتی



دنبال هوی و هوس نروید.

پیامبر(ص) همچنین فرمودند: مردم کشاورزی که گندم‌های‌شان را به سیلوها می‌فروشند زکات می‌دهند؟! اگر زکات ندهند، برکت از مال‌شان می‌رود. کسی که زکات مالش را ندهد نمازش قبول نیست. دینش هم فایده ندارد. روزه‌اش فایده ندارد.

حجش فایده ندارد. جهادش فایده ندارد.

چون اسلام به هم وصل است.

چهل متر طناب داد تا ببندازیم و این سطل به ته چاه برسد، اگر نه متر طناب آماده کنی، آخر سر هم به ته چاه نمی‌رسی؛ اسلام به هم مربوط است.

آیه

صبر برای افشا نشدن اسرار

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



«صبر» در قرآن و سنت اسلامی، فراتر از یک فضیلت اخلاقی صرف، به مثابه ستون فقرات یک نظام منسجم برای زیستن در جهانی آکنده از پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌هاست. این مفهوم نمودی از کنشگری هوشمندانه و نظم‌بخشی به مسیر حرکت انسان است. صبر در زندگی انسان با تلاش گرہ خورده است؛ چرا که صبر برای کسی که در میدان عمل گام نمی‌نهد و با موانع و چالش‌ها روبه‌رو نمی‌شود، معنایی ندارد.

در حقیقت، صبر ابزار نیرومندی است برای آنکه انسان در مسیر خویش، از یک‌سو با موانع بیرونی مقابله کند و از سوی دیگر، آشفته‌گی‌های درونی خودش را سامان ببخشد. تکرار ۹۶ بار واژه صبر در قرآن کریم، خود گواهی بر عمق و گستردگی این مفهوم در نظام فکری اسلام است؛ گویی خداوند با این تأکید مکرر، می‌خواهد پرده‌ای از غفلت را از دیدگان مؤمنان بردارد و آنان را به حقیقتی رهنمون کند که بدون آن، هیچ حرکت و تحولی به سرانجام مطلوب نخواهد رسید.

جالب آنکه قرآن صبر را نه تنها در مواجهه با سختی‌ها و نامایمات، که در بستر آگاهی و دانایی نیز معنا می‌بخشد. این نکته ظریف، مرزهای متعارف صبر را درمی‌نوردد و آن را به حوزه‌ای فراتر از تحمل رنج‌های ناشناخته می‌کشاند. چه بسا بسیاری از ما گمان می‌کنیم که وقتی از فلسفه رخدادی آگاه شدیم، دیگر به صبر نیازی نیست، در حالی که قرآن با طرح داستان حضرت موسی(ع) و حضرت

خضر(ع) به زیبایی این تصور نادرست را اصلاح می‌فرماید. آنجا که موسی می‌خواهد در همراهی با خضر(ع)، پای بر جاده صبر نهد؛ اما حضرت خضر(ع) با پرسشی بجا، او را به چالش می‌کشد که «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰی مَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ خُبْرًا»؛ یعنی چگونه ایشان می‌تواند بر آنچه احاطه خبری ندارد، صبر ورزد؟ پاسخ جناب خضر(ع) در واقع، کلیدی است برای گشودن دریچه‌ای نوبه‌معنای صبر: دانستن و آگاهی، نه تنها نیاز به صبر را از میان نمی‌برد، بلکه بر ضرورت آن می‌افزاید. در واقع، صبر پس از آگاهی، دیگر از جنس چشم‌داشتن به آینده‌ای نامعلوم نیست، بلکه از نوعی مدیریت هوشمندانه معرفت و مدارا با پیچیدگی‌های آن سرچشمه می‌گیرد.

گاهی اوقات، دستیابی به برخی اسرار یا دریافت اطلاعاتی خاص، چنان سنگین و گران‌بار است که اگر با صبر همراه نشود، همچون شعله‌ای در انبار باروت، هر نظم و انسجامی را به آتش می‌کشد.

در حقیقت، همان‌گونه که حضرت خضر(ع) به حضرت موسی(ع) می‌گوید، آگاهی از فلسفه اعمال، شرط لازم برای همسفری است اما کافی نیست، بلکه باید بستر و زمان مناسب برای ظهور آن آگاهی نیز فراهم آید.

از این زاویه، صبر هنری است که از رهگذر آن، انسان از دام سطحی‌نگری رها شده و به درک عمیق‌تری از موقعیت خود در نظام هستی دست می‌یابد.

افشای بی‌جای اسرار یا به‌کارگیری نابجای دانش، نه تنها به نظم طبیعی امور آسیب می‌زند، بلکه گاه بهانه‌ای می‌شود برای فروپاشی روابط، از دست رفتن اعتمادها و ایجاد هرج و مرج در سطوح فردی و اجتماعی. از این‌رو، می‌توان گفت که صبر پس از آگاهی، یک وظیفه اخلاقی

صادقانه رمز وحدت

قَالَ النَّبِيُّ (صلي الله عليه و آله): اِسْمَعُوا وَ اطِيعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ. پیامبر خدا(ص) فرمودند: «از کسی که خداوند به او «ولایت امر» داده است، حرف‌شنوی و اطاعت داشته باشید، چرا که این اطاعت، نظام بخش اسلام است.» (امالی مفید، ص ۱۴)

غیر رسمی

چندده هزار نفر!

رهبر شهید در بخشی از خاطرات خود که به یادگار مانده است، روایت جالبی را از برگزاری جلسات معارف پرشور چند ده هزار نفری در مسجد کرامت مشهد مقدس نقل می‌کنند. ایشان در این باره می‌گویند: «من در برخی از مساجد مشهد از جمله مسجد کرامت و همچنین مسجد دیگری به نام مسجد امام حسن(ع) امام جماعت بودم. آنجا بعد از نماز، هر شب بدون هیچ تعطیلی و وقفه‌ای ما معارف اسلامی را از روی متون اسلام بیان می‌کردیم؛ چه حدیث، چه نهج البلاغه و چه قرآن... جمعیت‌های زیادی جمع می‌شدند... آن زمان‌های دوران اختناق که هزار نفر، دو هزار نفر، سه هزار نفر، پنج هزار نفر جمعیت جمع می‌شد، در آن جلسات ما گاهی چند ده هزار نفر جمعیت جمع می‌شدند، در خیابان‌ها پر می‌شد دور و بر و جلسات خیلی موفق و خوبی بود.»

نکاتی که رهبر شهید در این جلسات چند ده‌هزار نفری بیان می‌کرده، چنان بدنه حکومت پهلوی را لرزاندۀ بود که ساواک دستور پیگیری جدی را در این مورد داده بود. رهبر شهید در این باره می‌گویند: «بالاخره از ساواک باز بنده را خواستند و گفتند جلسات مسجد کرامت باید تعطیل شود، آن هم تعطیل شد.»

حسن ختام

دل‌مان تو را کم دارد

مولاجان! در حرم علی بن موسی الرضا(ع) برای تو ایستاده‌ایم؛ برای شمایی که ندیده عاشق‌تان هستیم؛ اینجا، هر صحن بوی انتظار می‌دهد. دل‌های‌مان همچون کبوترانی که بر گنبد می‌چرخند، میان زمین و آسمان، دنبال نشانی از تو می‌گردد. دست‌ها بالا می‌روند، اشک‌ها جاری می‌شوند و نام تو در میان دعاها می‌درخشد؛ انگار همه آمده‌اند تا از امام غریب، سراغ یار غریب‌ترش را بگیرند.

مولای من، این روزها که حرم در سوگ پیامبر رحمت(ص)، امام حسن مجتبی(ع) و امام رضا(ع) سیاه‌پوش است، دل‌های ما محتاج آمدن توست؛ منتظریم، چرا که به امید دیدار تو یا یزیدیان زمان جنگیده‌ایم؛ با این همه، ما را ببخش اگر کم بوده‌ایم! ما را ببخش که برای آمدنت تغییر نکرده‌ایم.

